

متن پیاده سازی شده جلسه سی ام خارج اصول فقه (دور دوم) 15 آذر ماه 1400

بسم الله الرحمن الرحيم

ما در بیان معنای حکم به مرحله تحلیل و تحقیق رسیدیم. در مرحله تحلیل به شش رأی اشاره کردیم و گذشت. به مرحله تحقیق رسیدیم.

پیش از بیان تعریف باید بگوییم که ما در تعریف هیچ اصراری نداریم که تعریف جامع افراد و مانع اغیار باشد چون قبلاً گفتیم این کار خیلی سخت است اما اجازه مسامحه هم نباید داد. برخی اینجا تعریفی ارائه دادند که فقط حکم الزامی را می گیرد برخی تعریفی ارائه داده اند که فقط حکم تکلیفی را می گیرد، برخی تعریفی ارائه دادند که فقط حکم الهی را می گیرد نه مطلق حکم را. ما حکم را اینچنین تعریف کرده ایم: حکم عبارت است از اینکه کسی که اعتبار دارد (چرا نگفتیم اعتبار المولی؟ مولا یعنی خداوند اما گاهی وقت ها حکم از طرف حاکم اعتبار می شود و من مجبور هستم شرعاً اطاعت کنم و این اعتبار حاکم است که مولی نیست ولی من له الاعتبار است البته شارع باید به او اعتبار داده باشد) انجام یا ترک فعلی را بر ذمه مکلف اعتبار کند یا اینکه مساوی بودن انجام یا ترک آن فعل را در حق مکلف اعتبار کند (این بخش برای این است که اباحه داخل شود البته بعد شاید ما قائل شدیم که اباحه اساساً حکم نیست و عدم الحکم است) یا اینکه چیزی در عالم تشریح اعتبار شود که به مکلف تعلق داشته باشد و انجام یا ترک فعلی نباشد (با این بخش احکام وضعی هم در تعریف داخل شد) برخی در تعریف حکم گفته اند اعتبار المولی و همه ذهن ها رفته سمت خداوند و حکم حکومتی و ولایی چه می شود؟ یا برخی به نحوی حکم را تعریف کرده اند که حکم وضعی را شامل نمی شد. اراده، شریعت و حکم معنا شد حال به مراحل حکم، اقسام حکم و اطلاقات آن می رسیم ان شاء الله تعالی.

خلاصه بحث

نظر کلاس درباره تعریف حکم: حکم عبارت است از اینکه کسی که اعتبار دارد انجام یا ترک فعلی را بر ذمه مکلف اعتبار کند یا اینکه مساوی بودن انجام یا ترک آن فعل را در حق مکلف اعتبار کند یا اینکه چیزی در عالم تشریح اعتبار شود که به مکلف تعلق داشته باشد و انجام یا ترک فعلی نباشد.

فایل پیاده سازی شده : [کلیک کنید](#)